



روغن نباتی شاه پشند
از امروز با دو عطر و طعم جداگانه.
در قوطی های سبز رنگ با
عطر و طعم مخصوص . در
قوطی های آبی رنگ با عطر و
طعم میشتگی

ایران



■ صفحه ۱۶ ■ سال بیست و ششم ■ شماره ۷۴۴۶ ■ پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۹ ■ ۲۸ محرم ۱۴۴۲ ■ ایران قرن هفتاد و هشت

کزارش

از تلفن معیر الممالک تا کیوسک‌های عمومی

تلفن‌های دهه چهل



در شهر تهران نود و هشت هزار شماره تلفن خود کار با دوازده مرکز بزرگ و کوچک مکالمات مردم را انجام می‌دهند. روزانه دو میلیون و پانصد هزار مرتبه نمره گیر تلفن‌های تهران می‌چرخد و هزاران نفر از راه‌های دور و نزدیک با همدیگر صحبت می‌کنند و اگر کاری را که در حال حاضر اشخاص بوسیله تلفن انجام می‌دهند قرار بود از طریق مراوده حضوری صورت گیرد در آن صورت از فسرط کثرت عبور و مرور زندگی در تهران ممکن نمی‌گردید.

تاریخچه تلفن تهران

اولین مرکز تلفن در تهران یک کمپانی بلژیکی که امتیاز احداث راه‌آهن سراسری ایران را بدست آورده بود نصب کرد. این کمپانی برای آن‌که امتیاز تأسیس مرکز تلفن را در تهران بگیرد یک ارتباط تلفنی میان دربار و مقر صدر اعظم آن وقت دایر کرد و به‌این طریق اجازه و امتیاز نصب مرکز تلفن را در تهران از شاه وقت در دوره ناصرالدین شاه گرفت. کمپانی بلژیکی در آن‌وقت به خانه‌های رجال و اعیان و اشراف تلفن کشید و سرشناسان آن روز جملگی از وسیله‌ای که در آن روزها بهترین وسیله تبختر و نفوذ بود استفاده کردند.

تلفن معیر الممالک

مرحوم معیرالممالک بعد از کمپانی بلژیکی امتیاز نصب تلفن را در تهران و شهرستان‌ها گرفت. وی اولین مرکز بزرگ تلفسن آن زمان را در کوچه ناطق‌الاطباء واقع در خیابان چراغ گاز تأسیس کرد. اولین مرکز تلفن تهران، تلفن یک سیمه و به‌صورت بسیار ابتدایی بود و تعداد تلفن‌های این مرکز نیز محدود بود، بعداز چند سال در این تلفن‌ها تغییری داده شد و تلفن‌های نیمه خود کاری که در آن‌روزها به تلفن برقی معروف شد به بازار آمد و بعداً در سال ۱۳۱۴ قرارداد خرید تلفن‌ها از شماره تلفن خود کار با «زیمنس» بسته شد که تعدادی از این تلفن‌ها نصب گردید ولی نصب بقیه به‌علت پیش آمدن جنگ معوق ماند، تا آن‌که شرکت تلفن ملی شو و وضعی که الان مردم ناظر آند پیش آمد.

تلفن‌های جدید

در حال حاضر برای تهران قراردادی به منظور نصب یک صدو هشتاد هزار شماره تلفن خود کار بسته شده است و در تهران اکنون نود و نه هزار شماره تلفن دایر است که همه آنها خود کار بوده و در سراسر تهران نصب شده است. اینک در تهران فقط یک مرکز مغناطیسی باقیمانده و آن‌هم در مهر آباد است که هنوز هم کار می‌کند ولی در شهرستان‌ها تا به‌حال شصت هزار شماره تلفن خود کار و مغناطیس نصب شده است.

مزاحمت‌های تلفنی

تلفن همان اندازه که راه‌های دور را نزدیک می‌کند و روابط اشخاص را به‌هم مربوط می‌کند و به همان اندازه که در رفاه و آسایش مردم سراسر جهان نقش عظیمی دارد، مطابق اصول کلی نظام زندگی گاهی موجب ناراحتی‌های بزرگی نیز می‌شود. ناراحتی‌های ناشی از تلفن در اجتماعات عقب مانده بسیار فراوان و گاهی به‌صورت بسیار زنده‌ای دیده می‌شود، بعضی از افراد ناجوانمرد، خواب و آرام را از خانواده‌های می‌ریانند، شب‌ها و نیمرو‌زها بیخودی زنگ می‌زنند، سکوت می‌کنند، به افراد خانواده‌ها بد و بیراه می‌گویند،

روابط افراد و زن‌ها و شوهرها را برهم می‌زنند. گاهی حتی مزاحمت‌های تلفنی باعث اتلاف نفوس شده، با تلفن به افراد خانواده‌ها خبر مرگ آنها را داده‌اند و پدر یا مادر بر اثر این اقدامات ضد انسانی و مبتذل سکه کرده و در گذشته‌اند. تلفن تهران گاهی شاهد خوشمزگی‌های جالبی نیز هست در پارهای از اوقات که سیم‌ها قاطبی می‌شود، مکالمه کنندگان سرگیجه می‌گیرند، قاطبی شدن سیم‌های تلفن امروز آفت‌در عادی شده که حتی بچه‌ها توی حرف نخست‌و‌زیر هم دویده‌اند و آقای امیر عباس هویدا در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خود از یاد یاد کرد.

اطلاعات تلفنی

تلفن تهران بعضی اطلاعات را به افراد می‌دهد، شماره ۱۹ ساعت صحیح را می‌گوید و ۸۰ اطلاعات لازم را به مشترکین می‌دهد.

درآمد ۸۰ میلیون تومانی

شرکت تلفن از هر شماره تلفن دو هزار و دویست تومان ودیعه و ماهانه دویست ریال آبونمان دریافت می‌دارد، درآمد شرکت تلفن از محل مکالمات و آبونمان سالی بالغ بر ۸۰ میلیون تومان است و شرکت تلفن تا به حال نزدیک به سیصد میلیون تومان ودیعه از مردم تهران دریافت کرده است.

ماجرای تلفن‌های عمومی

از یک سال پیش به این طرف شرکت تلفن در صدد انتقال تلفن‌های عمومی به کیوسک‌ها برآمده و اکنون در سراسر تهران نزدیک به پانصد کیوسک تلفن نصب کرده‌اند، اما برای نمونه حتی یکی از آنها هم سالم نیست. بعضی از مردم و عابرین این تلفن‌ها را خراب کرده‌اند. شیشه‌های کیوسک‌ها را شکسته و گوشی‌ها را بریده و برده‌اند. در تلفن‌های عمومی قطعات فلز، پلاستیک، سنجاچ، آدامس، میخ و هر چه دستشان رسیده انداخته‌اند و نتیجه این کار به این صورت درآمده که تلفن‌های عمومی منظم نیست و پول مردم را قبل از آن‌که مکالمه‌ای کنند می‌خورند! برسر تعیین محل نصب کیوسک‌های تلفن نیز میان مردم اختلاف نظر وجود دارد. یک روز جمعی با تنظیم استشهاده درخواست می‌کنند که کیوسک در فلان نقطه باشد و شرکت تلفن براساس اظهارات آنها محل کیوسک را تغییر می‌دهد ولی یک هفته بعد جمعی دیگر در جهت مقابل اقدامات آنها عمل می‌کنند و شرکت را ناچار می‌سازند که باز محل کیوسک را تغییر بدهد.

روزنامه اطلاعات-پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۴۴

وداع با پدر تدوین «دستور زبان فارسی»

قریب غریب

عبدالعظیم قریب گرگانی یکی از چهره‌های مهم ادبی قرن ۱۴ کشورمان است که البته آن چنان که باید و شاید شناخته نشده ولی تأثیر او بر ادبیات و زبان فارسی از بسیاری از شاعران و نویسندگان نامی اگر بیشتر نباشد حتماً کمتر نیست، ادیبی که از او به‌عنوان بنیانگذار دستور زبان فارسی نوین یاد می‌شود. قریب در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در روستای گرگان از توابع آشتیان (استان مرکزی) به دنیا آمد و در سوم فروردین سال ۱۳۴۴ درگذشت.
عبدالعظیم مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود و در خانه پدری آموخت و در نوجوانی به تهران آمد و نزد استادان بزرگ آن روزگار به تحصیل و فراگیری زبان و ادبیات عرب، اصول، منطق و حکمت و زبان فرانسه پرداخت. قریب در سال ۱۳۱۷ هجری قمری به استخدام وزارت معارف آن زمان در آمد و در مدرسه علمیه که تنها آموزشگاهی بود که به شیوه جدید تدریس می‌شد به تعلیم دانش‌آموزان مشغول شد. قریب در سال ۱۳۲۴ هجری قمری تدریس در مدرسه نظام را آغاز کرد و برخی ازبرجستگان علم و ادب و سیاست ایران همچون کلث محمدتقی پسian، سلطان غلامرضا خان و علیقلی خان از شاگردان او بودند اوهمچنین در مدرسه دارالفنون، مدرسه ایران و آلمان، دارالمعلمین، بنگاه وعظ و خطابه و در دانشسرای عالی (از نخستین دوره تأسیس آن) ادبیات فارسی را تدریس می‌کرد و پس از تأسیس دانشگاه تهران به‌عنوان استاد دانشکده ادبیات برگزیده و تا پایان زندگی به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول بود.عبدالعظیم قریب، مؤلف بسیاری از کتاب‌های درسی بخصوص کتاب‌های ادبیات فارسی است واز همین رو به‌عنوان «پدر دستور زبان فارسی» شناخته می‌شود.

زمانی که او تدریس را آغاز کرد در مدارس ایران کتاب‌های مناسبی برای تدریس به دانش‌آموزان وجود نداشت و دکتر قریب قواعد زبان فارسی را به سبک دستورهای فارسی‌زبان اروپایی تدوین و کتاب‌های دستور زبان فارسی را در چهار جلد تألیف کرد. او همچنین مجموعه و گزیده‌ای از نظم

بریده جریده

تهیه و تنظیم:حسین مجیدی

شلیک پنج گلوله در کاخ مرمر

روزنامه اطلاعات روز شنبه بیست و یکم فروردین ۱۳۴۴ در صفحه شانزده خود اقدام به چاپ خبری مبهم و بدون ذکر محل وقوع حادثه، تحت عنوان نزاع بین سرباز وظیفه و سرباز پیمانی گارد» کرده و می‌نویسد: «طبق اطلاع امروز صبح در اثر مشاجره بین یک سرباز وظیفه و یک سرباز پیمانی گارد، بین آنها تیراندازی درمی‌گیرد که یکی کشته و دیگری زخمی می‌شود، ضمناً چند نفر از باغبان‌ها و پیشخدمت‌ها که در نزدیکی بودند در اثر این تیراندازی زخمی می‌شوند.»

این روزنامه روز بعد در صفحه نخست خود با تیترا «دیروز در کاخ مرمر حادثه سویی وقع یافت و سه نفر کشته شدند» پرده از ترسور «محمدرضا پهلوی» برمی‌دارد: «بدنبال خبری که دیروز درخصوص نزاع یک سرباز پیمانی با یک سرباز گارد انتشار یافت طبق تحقیقات بعدی جریان حادثه به قرار زیر بوده است. ساعت ۹ صبح روز گذشته هنگامیکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه به دفتر کار خود در کاخ مرمر نزول اجلال می‌فرمایند، سرباز وظیفه‌ای با تهدید و تیراندازی به سرسرای کاخ وارد می‌شود و بلافاصله توسط دو نفر از مأموران کشته می‌شود. در این جریان دو مأمور شهید و یک باغبان و یک پیشخدمت زخمی می‌شوند و چون ضارب بقتل رسیده تحقیقات ادامه دارد که روشن گردد آیا ضارب عمداً دست به این عمل زده یا جنون آتی بوده است. بدیهی است مراتب بعداً به اطلاع خواهد رسید.»

«جریان حادثه تیراندازی کاخ مرمر» عنوان سرمقاله روزنامه اطلاعات است که سه روز پس از ماجرا در صفحه دوم روز دوشنبه بیست و سوم فروردین ۱۳۴۴ به شرح رویداد کاخ مرمر می‌پردازد: «...اعلیحضرت همایونی همه روزه در ساعت ۹ صبح از کاخ اختصاصی با اتومبیل تشریف فرمای کاخ مرمر می‌شوند و در دفتر کار خود مشغول رسیدگی به امور مهم و پذیرش شخصیت‌های داخلی و خارجی می‌گردند. ساعت ۹ صبح روز شنبه برحسب معمول با اتومبیل جلوی کاخ مرمر پیاده شدند تا

و نثر استادان زبان فارسی را در کتابی به‌نام «فرانداآلدب» تهیه کرد که سال‌ها در مدارس تدریس می‌شد. او اولین استاد و آموزگاری بود که دستور زبان فارسی را در مجموعه‌ای ساده تدوین و تدریس کرد. از جمله کتاب‌های تألیفی او برای تدریس متون فارسی و ادبیات می‌توان به قواعد فارسی (صرف و نحو فارسی) در سه جلد، دستور زبان فارسی در دو جلد، کتاب املا در سه جلد، کتاب فارسی برای دبیرستان‌ها در سه جلد اشاره کرد. دکتر قریب ۵۸ سال ادبیات و دستور زبان فارسی تدریس کرد. اوهمچنین تصحیح و چاپ کلیه و دمنه، تصحیح و چاپ بوستان و گلستان سعدی و تصحیح و چاپ تاریخ برامکه را انجام داده است.

سعید نفیسی، نویسنده و ادیب که یکی از شاگردان دکتر قریب بوده است درباره شخصیت او نوشته:«پس از آنکه برای تکمیل دانش مرا به اروپا فرستادند، تاکنون که کمتر روز و شبی گذشته است که با کاغذی یا قلمی دیدار تازه نکرده باشم در جدی‌ترین موارد درس و بحث و تألیف و تحقیق و تبع همواره یکی از استوارترین سرمشق‌ها وزنده‌ترین راهنمایان من سیمای نجیب دکتر قریب بزرگوار بوده است. از روزی که وارد زندگی علمی ایران شدم‌ام چه در آموزشگاه‌هایی که افتخار تدریس در آنها را داشته‌ام و چه در انجمن‌ها و مجامع علمی و ادبی و این روزها بیشتر در دانشکده ادبیات و فرهنگستان ایران همواره از همشینی با این استاد که گذشت روزگار مرا سرانجام از همکاری با او بهره‌جویی کرد، شاید بیش از شاگردان دیگرش به دیدار دلفزایش کامیاب می‌شوم و شاید بر من بیش از دیگران روا باشد که این بزرگمرد را بستایم.»

دکتر عبدالعظیم قریب در نوروز سال ۱۳۴۴ به‌دلیل زمین خوردن دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و پس از چند روز با توجه به کھولت سن در ۸۶ سالگی درگذشت. خانه او در روستای گرگان به مرکز مطالعات دستور زبان فارسی و موزه بدل شده است.



صدای اولین شلیک تیرها، یکی از محافظین شاهنشاه را که دورتر ایستاده بود متوجه واقعه می‌سازد و بسوی کاخ می‌دود و در موقعی که سرباز وظیفه در داخل سرسرا مشغول تیراندازی بود و یکی از محافظین شاه را سخت مجروح کرده بود می‌رسد و ضارب را هدف گلوله قرار می‌دهد ولی هنوز ضارب از پای نیفتاده و به شلیک خود ادامه می‌داد که گلوله‌های بعدی محافظین، او را از پ سای در می‌آورد و به زمین می‌افند. اما محافظ شاهنشاه نیز در تیراندازی مسلسل ضارب سخت مجروح می‌شود و به زمین می‌افتد

و فدایی دیگر به همین کیفیت در خون خود می‌غلند [استوار دوم آیت‌الله لشگری و استوار دوم محمدعلی بابائیان] و پیشخدمت دیگر [سید حسین حساس - پیشخدمت مخصوص دربار] از ناحیه دست و بازو مجروح می‌شود و به این ترتیب دو تن از خدمتگزاران [کشته] می‌شوند و آن خانن هم معدوم می‌شود. این صحنه شوم و وحشت انگیز با کشته شدن سه نفر و مجروح شدن دو نفر در فاصله چند ثانیه پایان می‌یابد و در همین موقع بر اثر صدای تیراندازی، مأموران گارد و افسران و اعضای دربار به محل حادثه می‌رسند و



سرسام

ساموئل خاچیکیان نیرومندترین اثر سرسام آور سینمایی خود را تقدیم می‌کنند.از هم اکنون اعصاب خود را برای تماشای این فیلم در سینماهای آسپار کس، های و رویال آماده نمایید



مجروحین و مقتولین را به بیمارستان [سینا] می‌فرستند. دو نفر از سربازان محافظ شاهنشاه در راه بیمارستان فوت می‌کنند ولی ضارب در سر تیرهای دوم و سوم جان می‌دهد.

حال دو مجروح دیگر خطرناک نیست. تمام این حادثه در چند ثانیه در سرسرای کاخ مرمر پشت در اتاق دفتر شاهنشاه در حالی که اعلیحضرت همایونی در اتاق خود بوده‌اند تا کار روزانه را آغاز فرمایند روی می‌دهد. هنوز هم معلوم نیست که سرباز وظیفه گارد دچار جنون آتی شده و دیوانه وار بدون هدف این اعمال خائثانه را انجام داده یا دست جنایت پیشه‌ای در این کار وارد بوده و محرکینی در این امر دخالت داشته‌اند....

روز دوشنبه بیست و سوم فروردین ۱۳۴۴ شاه از ساعت پنج و نیم تا هفت و نیم بعدازظهر با لباس شخصی، بدون اسکورت و با اتومبیل شکاری در خیابان‌های تهران به گردش پرداخت. پرونده این ترور پس از پیگیری شهریهائی کل کشور و سازمان اطلاعات و امنیت کشور با دستگیری «پرویز نیکخواه» فعال سیاسی چپ و یکی از رهبران اصلی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور و سیزده نفر دیگر و محاکمه محکومین از روز چهارشنبه ۱۴ مهرماه همان سال در داد گاه عالی شماره یک اداره دادرسی ارتش به پایگانی تاریخ سپرده می‌شود.

روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسبی



۷ فروردین
سیدجواد ظهیرالاسلام نایب‌تولیت مسجد سپهسالار در سن ۸۱سالگی دارفانی را وداع گفت.

۱۸ فروردین

با پیام شاه، سیزدهمین اجلاس شورای وزیران ستو در تهران افتتاح شد. وزیران خارجه امریکا و انگلیس نیز در این اجلاس حضور داشتند.



۷ اردیبهشت
محاکمه ۱۳ نفر از متهمان به قتل حسنعلی منصور در دادگاه نظامی ارتش آغاز شد.

۱۵ اردیبهشت

قرارداد پرداخت وام چهار میلیون و پانصد هزار دلاری به ایران، با بانک جهانی به امضا رسید.



۲۶ خرداد

حکم اعدام محمد بابخاری، صفار هرندی، صادق امانی و نیک‌نژاد نهمان قتل حسنعلی منصور به اجرا درآمد و بقیه به حبس‌های سنگین محکوم شدند.

۶ تیر

سیل در آذربایجان ۲۰ روستا را از بین برد، ۷ نفر را به گام مرگ فرستاد و بخش وسیعی از اراضی کشاورزی را نابود کرد.

۱۲ شهریور

در پی مذاکراتی که امروز میان یک هیأت از مقامات شوروی و دولت ایران انجام گرفت، روس‌ها موافقت کردند در ازای دریافت نفت و گاز از ایران اقدام به احداث کارخانه ذوب آهن اصفهان نمایند.

۱۷ شهریور

به دعوت یونسکو، کنگره جهانی مبارزه با ییسوادی با حضور نمایندگان ۸۶ کشور و ۱۹ سازمان بین‌المللی در تهران آغاز به کار کرد.

۱۸ شهریور

اوتانت، دبیرکل سازمان ملل وارد تهران شد.

۲۴ شهریور

طی مصوبه‌ای در جلسه مجلسین شورای ملی و سنا به محمد رضا پهلوی لقب «آریامهر» داده شد.

۱۳۴۴
1965

۱۳۴۴
1965

